

# ۲۴ معمار

روزنامه دانشجویان معماری کمتر از ۲۴ سال

«معمار منهای بیست و چهار»، روزنامه الکترونیکی در زمینه معماری و شهر است که تحت نظارت پژوهشکده نظر منتشر می‌شود. این پایگاه در زمینه‌های هنری، علمی-فرهنگی-اجتماعی و گرایش‌های تخصصی مرتبط با معماری و شهر فعالیت می‌کند. هیئت تحریریه این روزنامه، معمارانی با کمتر از ۲۴ سال سن هستند که یاد در دانشگاه‌های مختلف ایران مشغول به تحصیل اند و یا فارغ‌التحصیل شده‌اند. «معمار منهای بیست و چهار» در حال حاضر با مشارکت ۸ دانشگاه شامل: دانشگاه‌های تهران، شهیدبهشتی، آزاد اسلامی واحدهای تهران مرکز و تهران جنوب، علم و صنعت، کاشان، سوره، شریعتی، بابل و ارومیه فعالیت می‌کند.

www.memar-24.ir

این نوشته خلاصه‌ای از بحث‌های آزاد «معمار منهای بیست و چهار» است که در جلسات هفتگی آنها برگزار می‌شود

خوبه و ممکنه این با سلیقه‌های مختلف ارضا بشه. ممکنه برای یک مسئله، یک پاسخ وجود نداشته باشه و ممکنه در عین حال که داره خوب کار می‌کنه، یکی یک شکل و فرمی داشته باشه و یکی دیگه یک فرم دیگه. اگه سلیقه را فرمی ببینیم این جوریه.

ایما:

می‌تونیم بگیم که معماری سلیقه‌ای در تهران یا ایران می‌تونه به وضعیتی که الان وجود داره منتج بشه؟ بالاخره شهر هم به نوعی نتیجه معماری تک بناهاست و اگه قرار باشه همه سلیقه‌ای عمل کنند نتیجه‌اش این می‌شه. امکان داره توی کوچه خود شما یکی که پول داره خونش می‌شه پنج طبقه چون می‌تونه تراکم بخوره و یکی دیگه که پول نداره خونش می‌شه سه طبقه. یا یکی پول داره نماش رو سنگ گرانیت مشکی می‌کنه، یکی که پول نداره نماش رو سیمانی می‌زنه. خب این هم معماریه دیگه؟! ...

محمد:

وقتی یکی داره یک تابلوی نقاشی می‌کشه شاید به میل خودش داره می‌کشه و تبعات اجتماعی نداره و کسی اعتراض نمی‌کنه چون جنبه اجتماعی نداره ولی وقتی داریم بنایی را می‌سازیم برای یک فردی که قراره توش زندگی کنه، اصلاً اینجا سلیقه من معمار مطرح نیست. ما داریم مرحله‌ای را این وسط جا می‌اندازیم. موقعی می‌شه راجع به سلیقه صحبت کرد که بقیه اولویت‌های طراحیمون رعایت شده باشه. یعنی اینکه من برای رسیدن به طرح از سلیقه شروع نمی‌کنم ممکنه البته برای رسیدن به طرح مطلوب استفاده از سلیقه هم جواب بده ولی این خیلی حالت کلی قضیه است و خیلی فاکتورهای دیگه هم وجود داره، مثلاً اینکه اون مخاطب چی می‌خواد. ولی سلیقه یعنی اینکه من همه را بگذارم کنار و بگم «من» اینطوری فکر می‌کنم. به نظر من از اول با یک مفهوم گسترده شروع کردن اشتباهه!

علی:

هر طرحی مقتضیات خودش را داره، یکبار داری خونه طراحی می‌کنی، یکبار مجتمع و یکبار بیمارستان و موقعی که داری بیمارستان طراحی می‌کنی آنقدر قانون و برنامه‌ریزی هست که باید بر طبق اون عمل کنی ولی موقعی که داری یک خونه طراحی می‌کنی، خب دستت بازتره.

مریم:

الان دو تا بحث وجود داره یکی تأثیری که سلیقه بر معماری داره و دوم اینکه این قضیه چه تأثیری بر شهر می‌گذاره. من متوجه نشدم،



## معماری و سلیقه

eima65@yahoo.com

تنظیم: ایما بوشهری

مریم:

توی معماری چقدر سلیقه دخیله؟ ارتباط معماری و سلیقه چطوره؟ سلیقه یعنی نظر شخصی یا یک چیز عمومی راهم ممکنه بهش سلیقه بگن؟ یعنی مثلاً ممکنه سلیقه ایرانی‌ها این باشه که خونه‌هاشون را آجری بسازن؟

محمد:

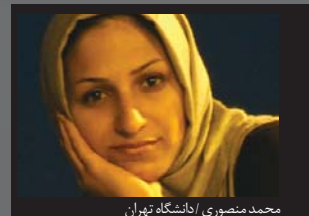
ملاک‌های مختلفی وجود داره و همیشه گفت که فقط سلیقه است و این خیلی مسئله پیچیده‌ایه. اینکه معماری سلیقه‌ای چیه و یا سلیقه معماری چیه ...

نقیسه:

استادای ما می‌گن اینطوری که ما میایم کارهای شما را یک نگاه میندازیم بعد هم هممون بدون شک مثلاً بهتون می‌دیم ۱۵ و شما هم نمی‌فهمید!

محمد:

توی نمره دادن این جوریه ولی توی آموزش خب هرکسی هدف خاصی داره برای خودش؛ مثلاً هدفی که توی کشیدن طرح ۱ هست، توی طرح ۲ ممکنه فرق بکنه، بنابراین ملاک‌های قضاوتش هم ممکنه فرق بکنه. یک موقع ممکنه برای ما این مهم باشه که روابط خوب حل شده باشه، یک موقع خلاقیتی در زمینه فرم مهم باشه یا مثلاً سازه؛ یعنی ما نباید اون قضاوت‌هایی که توی دانشگاه میشه را با اون چیزی که توی عالم واقع اتفاق میافته مقایسه‌اش کنیم. دوم اینکه سلیقه باشه یا نباشه. به جز سلیقه فاکتورهای دیگه‌ای هم وجود داره و چه معماری اصلاً خوبه که بعد بیایم بگیم سلیقه‌ای بودنش خوبه یا چیز دیگه‌ها به نظر من اون چیزی خوبه که جواب اون مسئله را داده باشه. مثلاً یک طرحی که ما می‌کشیم اگه بخوایم راجع بهش قضاوت کنیم، موقعی می‌تونیم قضاوت درست داشته باشیم که بدونیم چه مسئله‌ای داشته‌ایم، اگر روابطی که باید داشته باشه را خوب حل کرده، خب



محمد منصورى / دانشگاه تهران



ایما بوشهری / دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز



علی آشتیانی / دانشگاه شهید بهشتی



نقیسه موسویان / دانشگاه تهران



علی آشتیانی / دانشگاه شهید بهشتی

آیا سلیقه بر معماری تأثیر داره یا نه؟ و دوم اینکه آیا تأثیر سلیقه بر معماری خوبه یا نه؟ و به نظر من این را باید مشخص کنیم.  
محمد :

سایتی! سلیقه معمار در فصل مشترک یک سری فاکتورها و محدودیت‌های دیگه قرار داره مثلاً سلیقه کارفرما، قوانین شهرداری، محدودیت‌های آب و هوایی، شرایط زمین و...

نقیسه:

به نظر من در مورد اونها، صرفاً سلیقه شون نیست، اونا اصرار دارن که سبک خاص خودشون را داشته باشند. به نظر من معمار باید خودخواهی خودش را توی طراحی کنترل کنه و اصلاً قرار نیست که سلیقه‌اش را دخالت نده، سلیقه‌اش باید در طراحی بکار برده بشه و به نظر من مخاطب خودش می‌خواد که کارهای متفاوت با کارهای اطراف داشته باشه.

علی:

یک سری از اینها هم سلیقه معمار و سلیقه کارفرماست و همه اینها جمع می‌شه و می‌شه یک بنا. ولی یک کسی هم هست که از بیرون برداشتی از بنا داره و اونیه که محل سوال ماست. یا اینکه مثلاً حالا استاد من از کار من خوشش می‌یاد یا نه و به من می‌ده ۱۰ یا ۱۲، به نظر من به خاطر همین قضیه که اصلاً خوب و بدی وجود نداره و ملاک سنجش وجود نداره، استادها به کار نگاه نمی‌کنن. اونها چون نمی‌تونند سنجش کنند مثلاً براساس تعداد کرکسیون ها نمره می‌دهند.

محمد:

ولی این خیلی تفاوت داره با واقعیت و اگه بخوایم موفقیت یک بنا را در نظر بگیریم خیلی کار سخته.

اصلاً چه اتفاقی برای یک اثر معماری میافته که ماندگار می‌شه؟ مسئله تاریخه؟ احساساته؟ مسئله چیه؟ خانه آشپز، مسجد شیخ لطف الله، کارهای گائودی و...

مریم:

این سه تا بنایی که گفتی، توی سه تا زمان خاص بودند. مثلاً معروفیت بنای خانه آشپز به خاطر اینه که معمارش اولین معمار سبک رمانتیک، اولین معمار منظر آکادمیک بوده. یا اون گائودی کلاً اولین و آخرین بوده در سبک خودش و هیچ وقت پیش نیامده و تکه. یا مسجد شیخ لطف الله به خاطر اون گنبد خاصشه و هیچ کدام از نمونه‌های توی ایران مثل اون نیست و اون هم اولین و آخرین نمونش بوده.

سلیقه یعنی آنچه که من می‌خوام؛ ولی مسئله اینه که ما می‌خوایم برای یک سری آدم یک چیزی طراحی بکنیم و اگه قرار باشه بگیم که من فکر می‌کنم این خوبه، اون موقع این طوری می‌شه که ما از یک طرف داریم برای فردی که می‌خواهد توی اون خونه کار و زندگی بکنه طراحی می‌کنیم و از طرفی هم داریم می‌گیم حالا سلیقه من چیه. ولی آیا در عالم واقع این طوریه؟ و به نظر من اگه بخوایم درست بحث کنیم باید بگیم که سلیقه هیچ جای کار ما نیست. مثلاً اگه بخوایم درباره طراحی خونه بحث کنیم یعنی اینکه می‌خوایم سلیقه روانی خودمون را به طرفی که می‌خوایم براش طراحی کنیم ارجحیت می‌دیم.

علی:

حالا اگه قرار باشه یک مجتمع دو هزار واحدی طراحی کنی که نمی‌تونی برای تمام دو هزار واحد فکر کنی که چه کسانی قراره توی اون زندگی کنند و برای سلیقه همشون طراحی کنی.

مریم:

آره، اونجا اگه خیلی خفن باشی بتونی مثلاً ۱۴ تیپ پلان مختلف درباری!

محمد:

خب وقتی محدودمون بزرگ می‌شه مطمئناً نمی‌تونیم این کار را بکنیم و حتماً هم که نباید این کار را بکنیم!

نقیسه:

به نظر من اصلاً بحث سلیقه را نمی‌شه آورد وسط، قضیه اینه که یک کاری را یک آدمی داره برای یک آدم دیگه می‌کنه، به هر حال اون آدم اولیه باید یک جایی تصمیم بگیره، بعد چون فقط خودش قطعاً سلیقه‌اش توش دخالت داره، اصلاً دست خودش نیست.

مریم:

مثلاً زها حدید هر پروژه و هر کاری که بهش بیدید اون مدلی که خودش بخواد را اونجا می‌گذاره. هر چی که خودش بگه، هر کاربری، توی هر



میزگرد انجمن معمار ۲۴ - / پژوهشکده نظر